بایدها و نبایدهای اخلاقی تعلیم و تربیت

پدید آورنده : سید حسین اسحاقی ، صفحه 9

دگرسازی در سایه خودسازی

قوام جامعه و پایداری دین و آیین، بر تعلیم و تربیت استوار است. آموختن و پروراندن، اکسیر گران بهایی است که همه نابسامانی های جهان را نظام می بخشد و بشر را از ناهنجاری ها می رهاند. از نظر اسلام، تغییر و تحول جامعه به منظور پایه گذاری جامعه سالم و پاک در گرو تزکیه افراد آن است. خودسازی بر دگرسازی مقدم است و اگر انسان به کمال نرسیده ای مسئولیت تدریس اخلاق را عهده دار شود، به یقین نابودی ارزش های اخلاقی را نصیب فراگیران خود خواهد کرد. حضرت امام خمینی «ره» در این باره می فرماید:

«اگر نفوس تزکیه نشده و تربیت نشده وارد بشوند در هر صحنه، در صحنه توحید، در صحنه معارف الهی، در صحنه فلسفه، در صحنه فقه و فقاهت، در صحنه سیاست، در هر صحنه ای که وارد بشوند، اشخاصی که تزکیه نشدند و تصفیه نشدند و از این شیطانِ باطن رها نشدند، خطر این ها برای بشر، خطرهای بزرگ است.»

معلم و مربی، مهم ترین رکن تعلیم و تربیت است که افکار، گفتار و کردار او بر دانش آموزان تأثیر بسیار دارد. بر این اساس، خودساخته بودن معلمان و مربیان تربیتی، در اسلام اصلی لازم برای هدایت تعلیم و تربیت به مسیر مستقیم الهی است. بنابراین، بسیار بجا و شایسته است معلم با تمسک به آموزه های دینی و سنت و سیره امامان معصوم (علیهم السلام) درون خویش را از ناخالصی ها پاک سازد، سپس گوهر وجود آموزندگان را با خلوص و یکرنگی خود جلا و روشنی دهد.

تلاش برای بالا بردن معلومات

اسلام فراگیری علم و دانش را برای هر مرد و زن مسلمانی واجب کرده و حتی صاحبان آن را هم شأن پرهیزکاران و مجاهدان دانسته است. علم آموزی حد معینی ندارد و هر آنچه آدمی می آموزد، نسبت به نایافته هایش چون قطره ای به دریاست. پس، همه معلمان باید همواره در راه افزایش کمی و کیفی معلومات خویش بکوشند، به ویژه امروزه که عصر اطلاعات نام گرفته است و پیشروان علم و تکنولوژی به سرعت در حرکتند. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) همواره مسلمانان را به کسب علم و حکمت فرا می خواند و می فرمود: «حکمت و دانش، گمشده افراد با ایمان است».

اگر معلم مطالعه کافی و پیگیر نداشته باشد، به رودی می ماند که از سرچشمه بازمانده است. سعدی شیرازی نیز در اشاره به این مهم سروده است:

برو خوشه چین باش سعدی صفتکه گردآوری خرمن معرفت

بسیاری از دانش آموزان با فراگیری تعلیمات معلمان خود به سر منزل مقصود می رسند و راه سعادت و پیشرفت را طی می کنند. حال اگر آموزگاران و استادان بزرگوار، اهل مطالعه و تحقیق نباشند، به افسری می مانند که فقط در سر چهارراه ها ایستاده است و اتومبیل ها را به مسیر درست هدایت می کند و به انجام وظیفه اش به شکل تکراری می پردازد، البته وظیفه و رسالت افسر همین است، اما معلم باید هماره خود را به زیور دانش و یافته های جدید بیاراید تا به پرسش های دانش پژوهان به شایستگی پاسخ دهد.

یک فرد فرهنگی اگر مطالعه و بحث علمی را رها کند، هویت خود را از دست می دهد و چه بسا شخصیت والای فرهنگی او نیز تغییر می یابد.

تحصیل، دوام باید و جِدّ و طلب

پیوسته به روز بحث و تکرار به شب

تقوا و طهارت و ریاضت و ادب

با این همه، تحصیل نباشد به عجب

علامه فاضل گروسی

اخلاص، صفت زیبنده فرد تعلیم دهنده

اخلاص یکی از عالی ترین مراحل تکامل و مایه رستگاری انسان است. امام علی (علیه السلام) در سخنی آموزنده فرموده است: «عمل، علم، دوستی، دشمنی، گرفتن، واگذاشتن، گفتار و خاموشی خود را برای خدا خالص گردان».

اخلاص، یعنی کار خود را برای خدا انجام دادن، دوری از ریا، کبر، شرک و هر آنچه بوی غیر خدا از آن به مشام می رسد.

اگر اعمال و رفتار انسان صاف و خالص باشد، جاودانه می شود و سرّ جاودانگی حرکت انبیا و اولیا هم ناشی از اخلاص آن هاست.

قرآن کریم یکی از صفات پیامبران را اخلاص معرفی می کند و درباره حضرت موسی (علیه السلام) می فرماید: «موسی را در کتاب یاد کن که او بنده خالص شده بود و پیامبرِ فرستاده بود».

سعدی پس از نکوهش ریاکاری، به کسب اخلاص سفارش می کند و می سراید:

ندانی که بابای کوهی چه گفت

به مردی که ناموس شب را نخفت:

برو جان بابا در اخلاص پیچ

که نتوانی از خلق رستن به هیچ

سعدی

معلمی، کار انبیاست و به حقیقت نیازمند اخلاص است. هر چه اخلاص در عمل بیشتر باشد، با ارزش تر است. اگر معلم، تنها برای خدا و خشنودی او در راه آموزش گام بردارد، تأثیر کلام او بالا می رود و از اجر و پاداش اخروی نیز بهره مند می شود. در گفتاری از حضرت علی (علیه السلام) چنین آمده است: «کسی که عملش با اخلاص همراه نباشد، پذیرفته نشود».

اخلاص و یکرنگی، موجب ثبات شخصیت و ریاکاری، نشانه تزلزل شخصیت آدمی است.

ای درونت برهنه از تقوی

کز برون جامه ریا داری

پرده هفت رنگ در مگذار

تو که در خانه بوریا داری

سعدی

توجه به تفاوت استعدادهای فراگیران

انسان ها از نظر استعداد و دریافت درونی با هم متفاوتند، از این رو ممکن است مباحث گوناگون از لحاظ فهم برای عده ای آسان و برای عده ای دیگر، مبهم و گاهی گمراه کننده باشد. استادان اخلاق در انتقال مفاهیم بلند عرفانی، از رمزها و کنایه ها استفاده می کردند تا شاگردانی که اهل آن بودند، از آن توشه برچینند. آری:

هرگز پر طاووس به کرکس ندهند

آن را که گلیم باید، اطلس ندهند

گویی که فلان بمرد و خیرات نکرد

خیرات عزیز است به هر کس ندهند

علامه فاضل گروسی

مربی و معلم کارآزموده، کسی است که از روحیه ها، توانایی ها و استعدادهای دانش آموزانش به خوبی آگاه باشد و متناسب با هر کدام، به گونه ای خاص عمل کند. معلم باید به اندازه فهم فراگیران سخن بگوید و این سخن پیامبر اسلام را به یاد داشته باشد که فرموده است: «به درستی که ما گروه پیامبران مأمور شده ایم که با مردم به اندازه فهم و عقل شان سخن بگوییم». مولوی می گوید:

پست می گویم به اندازه عقول

عیب نَبْوَد، هست این کار رسول

در امر تعلیم و تربیت، در نظر گرفتن سن و سال، پیشینه اطلاعاتی، جنسیت و روحیه دانش پژوه مهم است. چه بسا مسئله ای علمی و یا مفهومی نظری را باید متناسب با گروه های مختلف سنی و تحصیلی، به شیوه های گوناگون ارائه کرد تا حقیقت مطالب به درستی دریافت شود. مولوی در سخنی زیبا به این مهم اشاره دارد:

مرد جبری را سخن از جبر گو

مرغ پر بشکسته را از صبر گو

چون که با کودک سر و کارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

مولوی

سعدی شیرازی هم در حکایتی دل نشین و پندآموز، تفاوت استعدادها را چنین به تصویر می کشد: «پادشاهی پسری را به ادیبی داد و گفت: این فرزند توست، تربیتش همچنان کن که یکی از فرزندان خویش، ادیب خدمت کرد و متقبل شد و سالی چند بر او سعی کرد و به جایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت به منتها رسیدند. پادشاه، دانشمند را مؤاخذه فرمود که: وعده خلافی کردی و وفا به جا نیاوردی. دانشمند گفت: بر رأی خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت، یکسان است و طبایع، مختلف.

گر چه سیم و زر ز سنگ آید همی

در همه سنگی نباشد زر و سیم

بر همه عالم همی تابد سهیل

جایی انبان می کند جایی ادیم

سعدی

به کارگیری تجربه های دیگران

کسی که از تجربه روزگار و فراز و فرودهای زندگی بی بهره باشد، هر چند عالم، در انتخاب مسیر درست دچار اشتباه می شود. امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در ارزش و اهمیت تجربه می فرماید: «کسی که تجربه اش کم باشد، فریب می خورد».

در حقیقت، معلمی فراتر از آن که شغل باشد، هنر است و هنرمند کمال یافته کسی است که هنر را هم از راه کسب دانش خاص آن و هم با استفاده از تجربه دیگران به دست آورد. امام علی (علیه السلام) برای کسانی که از عقل و تجربه بهره نمی برند، افسوس می خورد و می فرماید: «بدبخت، کسی است که از سودی که از راه عقل و تجربه به انسان می رسد، محروم شود».

در فراگیری اطلاعات در بسیاری از زمینه های علمی، هنری و غیره، جوانان مشتاق تر و توانمندتر از دیگرانند. با این حال، در عرصه تعلیم و تربیت به هر میزان استاد و مربی با تجربه تر باشد، در امر آموزش و سازندگی شاگردان موفق تر و مؤثرتر خواهد بود.

امید عافیت آن گه بود موافق عقل

که نبض را به طبیعت شناس بنمایی

سعدی

مربیان و معلمان با تجربه، افزون بر سرمایه علم و آگاهی، از حال و موقعیت مخاطبان خود اطلاع کامل دارند، چون این راه را بارها رفته، تجربه ها اندوخته و دانش آموزان بسیاری را آزموده اند.

آن که در راحت و تنعم زیست

او چه داند که حال گرسنه چیست

حال درماندگان کسی داند

که به احوال خویش درماند

سعدی

پی نوشت ها:

1. صحیفه نور، امام خمینی «ره»، ج 14، ص 255.

2. آداب تعلیم و تربیت در اسلام، شهید ثانی، ص 196.

3. برگرفته از: «فصل نامه فرهنگیان بسیجی»، شماره 6، ص 9.

4. شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج 2، ص 206.

5. سوره مریم (19) آیه 51.

6. همان، ج1، ص 331.

7. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج 1، ص 23.

8. مقصود، پادشاه است.

9. شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج 1، ص 181.

10. نهج البلاغه، نامه 78.